

نویسنده: رینارد سکستون (Renard Sexton) = کاندید دوکتورا در علوم سیاسی در پوهنتون نیویارک ().

منبع و تاریخ نشر: واشنگتن پست «2014-9-26».

برگردان: پوهند وی دوکتور سیدحسام «مل»

غنایم صلح در افغانستان

The Spoils of Peace in Afghanistan

روز گذشته رقیب اصلی آقای محمد اشرف غنی «احمدزی» به صفت رئیس جمهور منتخب و برنده در انتخابات ریاست جمهوری و عبدالله «عبدالله» بحیث رئیس اجرایی با داشتن قدرت مساوی در «حکومت وحدت ملی» از طرف کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان اعلام گردیدند.



نامزدان رقیب درست چپ عبدالله «عبدالله» با اشرف غنی «احمدزی» در حال ردوبدل پروتوکل توشیح شده برای ایجاد «حکومت وحدت ملی» روزیکشنبه دکابل (رویتر/عمرسبحانی).
دستیا بی به این توافق در صورتیکه اگر نگه شود نمیتوان آنرا شاهکار کوچک شمرد

و آن ازین چشم دید که بعد از سال «1973» این اولین بار است که در افغانستان انتقال قدرت سیاسی از یک رییس جمهور منتخب به رییس جمهور منتخب دیگر بصورت صلح آمیز صورت میگیرد. این دستیابی از آن جهت میتواند یک شاهکار تلقی شود که بقول ناظران تهدید شدیدی همراه با خشونت از طرف حامیان عبدالله «عبدالله» مبنی بر ادعای آنها که در انتخابات تقلب صورت گرفته و رای مردم به سرقت برده شده است بملاحظه میرسید.

مطلب عمده و قابل دقت در اینجا اینست که معامله های سیاسی در شرایطی بویژه نشان داده است که در تقسیم پُست های قدرت دولتی بخصوص که رهبران طرف معامله توسط حمایت گران بیرونی همه جانبه کمک شوند، کار بجای کشا نیده میشود که هر دو رهبر تیم های طرف معامله به نحوه از آنها می کوشند که برای حامیان خویش موقف های بلند دولتی دلخواه شان را فراهم سازند. ولی در اینجا یعنی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان هر دو تیم انتخاباتی با بکار برد اقدامات ناجیز انتظار آنها داشتند که ممکن بر سر نتایج انتخابات درگیر شوند ولی بی خبر از آنکه نتایج این انتخابات برای هر دو طرف معامله با تقسیم قدرت با هم مساوی و برابر بی ارزش از آب درآمد یعنی به رای مردم در اثر وساطت و حمایت بیرونی ها وقع گذاشته نشد.

اگر کمی به رویدادهای گذشته افغانستان برگردیم در می یابیم که در فاصله های نه چندان دور همچو یک معامله ای «خردگرا» و راه حل منطقی از چانه زنی یک رویایی غیر ممکن برای افغانسان در سال «1992» بدسترس نبود و آن اینکه بعد از پروپا شی اتحاد جماهیر شوروی، حکومت کمونیستی تحت زعامت رییس جمهور داکتر «محمد نجیب الله» از قدرت کنار رفت و تعدادی از گروپ های مخالف مسلح از سالیان چندی در تلاش آن بودند تا رژیم تحت حمایه شوروی را در افغانستان از پا در آورند، آنها یکه اکنون فرصت آنها دریافته اند که با هم به ایجاد یک حکومت «وحدت ملی» معامله سیاسی بنمایند.

از گذشته های نه چندان دور همه میدانیم که بعد از سقوط دولت مرحوم داکتر نجیب الله برای احراز چوکی های و موقف های بالای دولتی بین دو جناح اصلی از مجاهدین بین حزب جمعیت اسلامی به رهبری پروفیسور برهان الدین «ربانی» و رییس ستاد نظامی جمعیت اسلامی آقای احمد شاه مسعود از تبار قوم اقلیت تاجک متکلم زبان فارسی با رقیب اصلی شان یعنی با گلبدین «حکمتیار» از تبار قوم اکثریت پشتون و رهبر حزب اسلامی جنگ در گرفت.

موضوع از این قرار بود که ملل متحد و پاکستان در همکاری با ایالات متحده امریکا به جمع و جور و حل و فصل صلح آمیز و آشتی پذیری جناح های مختلف بینهم درگیر مجاهدین داخل اقدام شدند و خواستند تا همه گروپ های مجاهدین را با هم متحد

سازند روی این منظور سندی را بغرض امضای طرفین درگیر بتاريخ (24) اپریل سال (1992) تهیه کردند که این سند توافقنامه به نام توافقنامه پشاور مسمی گردید ، گلبدین حکمتیار از اشتراک و از امضای این توافقنامه کناره گیری کرد ونخواست که قدرت را با احمد شاه مسعود تقسیم نماید ، درین وخت گروپ های بیشتر با قیمانده ای مجاهدین این سند و توافقنامه را توشیح کردند که در آن ربانی بصفت ریس جمهور و آقای احمد شاه مسعود به حیث وزیر دفاع و آقای حکمتیار به عنوان نخست وزیر دولت نوبنیاد مجاهدین اعلام گردید .

درهفته ای بعد آن گلبدین «حکمتیار» از مفر خویس در جنوب شهر کابل از کوه های بلند و مرتفع که در آنجا سنگر گرفته بود کابل را با پرتاب موشک ها و توپخانه اش مورد بمبارد و شلیک انواع سلاحهای در دست داشته اش قرار داد، که همزمان به آن جنگ بین نیروهای متخاصم و در قدم اول بین طرفداران احمدشاه مسعود به قوماندانی جنرال دوستم متعاصی از رژیم برکنار شده دولت کمونیستی و بین احزاب به اصطلاح کمونیستی وحدت واتحاد اسلامی طرفدار دولت در گرفت که منتج به ویرانی و قتل و قتل کابل و مردم بیگناه گردید.

با وجود تلاشهای پیهم در چانی زنی بین طرفین و راه گزینی های چندی توسط برخی از گروه های خوردو کوچک باز هم خشونت و زورگویی برای مدت دو سال دوام نمود تا آنکه در ماه مارچ سال «1993» یک معامله با جدیت سرسختانه و بر مبنای تقسیم قدرت دولتی بین حزب اسلامی و جمعیت اسلامی تا انتخاباتی که ممکن در سال «1994» آغاز خواهد شد صورت گرفت ولی این معامله هم جامه عمل نپوشید و از اعتبار خود بیرون آمد.

در ماه اوگست سال «1944» سازمان اطلاعاتی (ISI) پاکستان که طرف اصلی صحبت و هر کاره در افغانستان بود تلاش مینمود تا اختلافات بین مسعود و حکمتیار را فرو نماند ولی درین وخت ایالات متحده امریکا از ادامه تلاش هایش مینی بر جور آمد و مذاکره بین مسعود و حکمتیار دست کشید و به ایجاد سازمان تحت نام طالبان به حیث یک مشتری جاگزین داخل اقدام شد و این سازمان نوبنیاد جاگزین شده را همه جانبه حمایت و پشتیبانی نمود .

قابل تذکر است که طالبان علاوه بر آن که از طرف ایالات متحده امریکا همه جانبه کمک دریافت میکردند از عربستان سعودی بشمول «اوسمه بن لادن» نیز کمک های مالی بدست می آوردند. طالبان هنگامیکه در اوایل سال «1994» از قندهار فشار شان را به سمت شمال فزونی بخشیدند ، حکمتیار در دام بین جمعیت اسلامی (که دولت مجاهدین را در کابل رهبری میکرد) و نیروی در حال پیشروی طالبان قرار گرفت و او مجبور گردید که موقعیت توپخانه ای خود را تغییر دهد و از قدرت شلیک سلاحهای

در دست داشته خود بکاهد ، بهر صورت سرانجام در سال (1996) طالبان کابل را تصرف کردند و تا ختم سده تمام افغانستان را تحت کنترل خود درآوردند مسعود و حکمتیار مدت زمان باقیمانده سال (1990) را بادولت نوبنیاد در گریز و جنگ سپری کردند.

پس با در نظر داشت تذکرات فوق ایا میتوان گفت که امروز چه تفاوت‌های که مشا به به آن مسابقات گذشته نباشد رخ نداده است و یا بوقوع نه پیوسته است ؟ واقعیت امر اینست که شگاف‌ها و درزهای که طی سال (1990) در بین اقوام و ساکنان منطقوی و محلی بوجود آمد و موجب جدایی و از هم فاصله گرفتن احزاب و سازمانها گردید تا همین اکنون این درزها و فاصله‌ها بهمان حالت قبلی خود باقی مانده است ، و در پهلوی آن در اینجا مقدار قابل ملاحظه از مناسبات و مرودات شخصی بین برخی از مجاهیدن و رهبران آنها نیز وجود داشت مثل مناسبات عبدالله «عبدالله» با احمد شاه مسعود و آن اینکه عبدالله در آن هنگام یکی از مشاورین نزدیک احمد شاه مسعود و همکار دایمی او بود که در بعضی مواقع مسولیت نمایندگی جمعیت اسلامی را نیز عهده دار میشد . لازم پنداشته میشود تا بطور فشرده از دموورد قابل ملاحظه در اینجا ذیلاً یادآور شویم.

نخست : اگر احیاناً شرایط در افغانستان طوری دگرگون گردد که در سایه آن خشونت و کشمکش‌ها دوباره فروکش نماید در آن صورت رهبران سیاسی امروز افغانستان امتیازات و معاملات سترگ سود آورشان را از دست خواهند داد از قبیل رشوت و اختلاس گسترده و اجاره مقامها که بوسیله قدرت دولتی در اختیار داشتند و این موقف دولتی بود که در حمایت آنها بکار میرفت و این جنگ سالاران از مدت‌ها بدنبال آن بودند تا با دریافت جایزه جنگ سالاری و سیاستمداری بتوانند به امتیازات افشاندوی دست یابند چنانچه مارشال فهیم قسیم در آغاز اشغال افغانستان توسط نیروهای بیرونی و ناتو توانست کمک‌های هنگفت مالی را حاصل و دست به غارت و چپاول و اختلاس بهترتر از یک مافیایی روستایی بزند .

ثانی : احزاب اطلاعات و معلومات خوب دست اول را در مورد ظرفیتهای نظامی از رقبای خود داشته میباشند . با در نظر داشت همین دلیل در سال (1990) یک سلسله اطلاعات قابل ملاحظه و مخفی با ارزیابی‌های نسبتاً ضعیف که راپور و گزارش این اطلاعات روی میز مذاکره کننده‌گان گذاشته شده بود حاکی از آن بود که سازمان جاسوسی و اطلاعاتی ایالات متحده امریکا «سی‌آی‌ای» بشکل مخفیانه از آغاز سال «1984» تا سال «1994» مبلغ ده میلیون تا دوازده میلیون دالر به احمد شاه مسعود بشکل مخفیانه از طریق سازمان اطلاعاتی پاکستان (آی-اس‌آی) می‌پرداخت و در عین زمان احمد شاه مسعود از استخراج سنگهای قیمتی و جوهری مبالغ هنگفتی را

دریافت می‌کرد . قابل تذکر است که گلبدین «حکمتیار نیز به صدها میلیون دالر کمک ها ایالات متحده امریکا را از طریق (آی اس آی) پاکستان و شیخ های متمول عربستان و نیز مبالغ هنگفتی را از تکس فروش و تجارت اوپیوم نیز بد ست می آورد.

در پوهنتون برکلی کلفورنیا دانشمند علوم سیاسی (رابرت پاول «R.Paul») به ارتباط توزیع قدرت و منافع چنین می گوید :

{ «جنگ حد اقل و به احتمال زیاد هنگامیکه به توزیع سود و مزایا موجود پرداخته میشود در واقعیت نشان دهنده ای و یا انعکاس توزیع از قدرت اساسی میباشد» توزیع قدرت بیدون دریافت سود و منافع بیشتر مشکل و غیر ممکن پنداشته میشود }

در نهایت امر تهدید مهم و برجسته و قابل ملاحظه زمانی عاید حال یک حکومت و یا یک نهاد میشود که کمک ها و حمایت بیرونی تاجایکه این دولت به آن متکی است قطع گردد ، پس به این دلیل کمک های ایالات متحده امریکا ، سازمان ملل متحد و بازیگران منطقه نباید ناچیز پنداشته شود و از آن صرف نظر شود بخصوص شرکای بین المللی و آنهاییکه پول می پردازند و یا کمک مالی می نمایند ناگذیر خواهان سهم قابل ملاحظه در حل و فصل منازعات کشور کمک گیرنده میباشد و در واقعیت امر نقش بوضوح در رهبری هر دو طرف منازعه رادارا میباشد که هیچکس از آن چشم پوشی کرده نمیتواند. اکنون که در افغانستان یک دولت جدید رویکار آمده است ما خواهیم دید که غنایم به چه شکل آن توزیع خواهد شد بویژه در انتظار آن قدرتمندان باید بود که صلاحیت برهم زدن این دولت نو پا را دارا اند.

با تقدیم احترامات -----